عنوان:

دین ذهنی ما خاصیتِ حیات بخشی ندارد!

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-119 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به دین |
| برچسب | اصلاح اندیشه، حقیقت دین، تقلید، مفاهیم دینی |
| توضیحات |  |

دشمن در طول سالیان، معانی مفاهیم دینی را در نظر مسلمین تغییر داده است و تا حدودی معانی صحیح این واژگان از بین رفته اند. فلذا می بینیم در مراکز تحصیلاتی، بعضا مشاهده می شود، فردی که تا دیروز نماز شبش هم ترک نمی شد،چند روز دانشگاه رفته است و اکنون منکر خدا شده است و به نماز هم توهین می­کند؛ چرا که واژه ها با معانیِ مغایر با معنای حقیقی شان به این فرد القاء شده است به صورتی که با این معانی، دین را با علم و واقعیات متضاد می پندارد.

دشمنان الهی همواره به صورت زیرکانه و ماهرانه با سرمایه گذاری هایی که دارد، از امیال و اعمال شیطانیش نتایج وسیعی می گیرد. نهایتا حتی اگر کسی حقیقت هم بگوید، مورد طعن قرار خواهد گرفت. و در نتیجه این افکارِ خطا، نسل به نسل در اذهان تثبیت می شود و فکر و عقل و ایمان نوجوان و جوان ما را نشانه می گیرد. و چه زیبا خداوند عالمیان، جهل و مقابله کردنِ این عده را در برابر حقائق بیان می کند.

«وَ إِذَا قِيلَ لهَمْ تَعَالَوْاْ إِلىَ‏ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ إِلىَ الرَّسُولِ قَالُواْ حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَ وَ لَوْ كاَنَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْا وَ لَا يهَتَدُون»[[1]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftn2)

و زمانى كه گفته مى‏شود كه روى آوريد به آنچه خدا نازل كرده و به رسول، گويند كافى است ما را روشى كه پدرانمان را بر آن يافتيم اگر چه پدرانشان چيزى نمى‏دانستند و هدايت نمى‏پذيرفتند.

علامه طباطبایی (ره) در توضیح آیه چنین می فرمایند: اين آيه در مقام حكايت اين معنا است كه رسول‍اللَّه(ص) كه كارش بلاغ است و بس، آنان را بسوى خدا و بسوى آنچه از خدا به سويش وحى شده دعوت فرمود: پس دعوت رسول‌اللَّه(ص) دعوت به حق است زيرا حق عبارت است از راستى كه هيچ دروغى در آن راه نداشته باشد و علمى كه جهل آميخته به آن نباشد و از اينكه در آيه سابق افترا را با جهل و تعقل نكردن مردم در ادعايشان جمع كرده بود مى‏فهميم كه وقتى ادعاى آنان دروغ و جهل باشد قهرا ادعاى پيغمبر جز صدق و علم (كه همان حق است) نخواهد بود، مع ذلك مردم گفتار او را نپذيرفته در رد فرمايش او چنين استدلال كردند كه ما ديديم پدران ما چنين مى‏كردند، و اين همان تقليد باطل است، درست است كه تقليد در بعضى از مواقع و در شرايط معينى حق و صحيح است، و بايد كه جاهل به عالم رجوع كند، و اين سيره‏ايست كه هميشه در مجتمع انسانى و در جميع احكام زندگى به حكم جبر جريان دارد، چون همه افراد نمى‏توانند بر جميع ما يحتاج خود علم و تخصص پيدا نموده و رفع حوايج خود را بنمايند و ناگزيرند در هر مورد به عالم مربوط به آن رجوع نموده و از او تقليد كنند، ليكن در بعضى مواقع هم تقليد باطل است، و آن تقليد جاهل است از جاهل ديگرى مثل خود، خلاصه همانطورى كه سيره عقلا رجوع جاهل را به عالم صحيح مى‏داند و آن را امضا مى‏كند، همچنين رجوع جاهل را به جاهل ديگر مذموم و باطل مى‏داند چنان كه رجوع عالم را هم به عالم ديگر باطل دانسته و تجويز نمى‏كند كه مردى علم خود را ترك نموده و علم ديگرى را اخذ نمايد.

و لذا خداى تعالى در رد اين گونه تقليد فرموده:" أَ وَ لَوْ كانَ آباؤُهُمْ لا يَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ لا يَهْتَدُونَ" و مفادش اين است كه عقل - اگر عقلى باشد - تجويز نمى‏كند كه انسان به كسى كه از علم بهره‏اى ندارد مراجعه نموده و هدايت و راهنمايى او را كه گمراهى است مثل خود بپذيرد، اين در حقيقت پيمودن راه خطردار است، و سنت حيات اجازه نمى‏دهد انسان طريقه‏اى را سلوك كند كه در آن ايمنى از خطر نيست، و وضع آن نه براى خودش و نه براى راهنمايش روشن نيست. [[2]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftn2)

‏در این زمینه نظر شهید مطهری نیز قابل تامل است که می فرمایند:

در میان کشورهای دنیا به استثنای بعضی کشورها. کشور های اسلامی عقب مانده ترین و منحط ترین کشور هاست.نه تنها در صنعت عقب هستند. در علم عقب هستند در اخلاق عقب هستند. در انسانیت و معنویت عقب هستند. چرا؟

باید اعتراف کنیم که حقیقت اسلام در مغز و روح ما موجود نیست بلکه این فکر اغلب در مغزهای ما به صورت مسخ شده موجود است. توحید ما توحید مسخ شده است. نبوت ما نبوت مسخ شده است ولایت و امامت ما مسخ شده است اعتقاد به قیامت ما کم و بیش همینطور. تمام دستور های اصولی اسلام در فکر ما تغییر شکل داده .در دین صبر است. زهد است.تقوا هست توکل هست... .[[3]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftn3)

امروز غالبا می بینیم معانی و مفاهیمی که ما از اسلام داریم خاصیت حیات بخشی و ایجاد زندگی ندارد. پس ناچار باید تجدید نظری در این معانی و مفاهیم بکنیم. شاید مفهوم و تصور ما درباره ی این معانی و مفاهیم اشتباه باشد. ما باید تصور خودمان را تصحیح کنیم.[[4]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftn4) فکر دینی ما باید اصلاح شود تفکر ما در باره ی دین غلط است.[[5]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftn5) طرز تفکر مسلمانان درباره ی اسلام آسیب دیده است. در هفته ی گذشته عرض کردم فرق بین اینکه یک آیین و مکتب خودش در ذات خودش زنده باشد و اینکه طرز تلقی مردمی که آن را پذیرفته اند به صورت زنده ای باشد ممکن است خود آئین، جوهره حیاتی داشته باشد ولی آن طرز تفکری که مردم درباره ی آن دارند طرز تفکر صحیحی نباشد. بنابراین وقتی عرض می کنیم طرز تفکر مسلمین در عصر حاضر درباره ی اسلام آسیب دیده است مربوط به تلقی ما مسلمین از اسلام است.[[6]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftn6)

[[1]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftnref2). سوره مائده / آیه 104

[[2]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftnref2) ترجمه المیزان-ج6، ص233

[[3]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftnref3). ده گفتار - ص: ۱۲۷

[[4]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftnref4). احیای تفکر اسلامی. ص: ۶۸

[[5]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftnref5). ده گفتار - ص :۱۳۰

[[6]](file:///C:\Users\karimelaptop\Desktop\سایت\جزوات\جزوه%20مهارتی%20و%20محتوايی%20%20حلقات%20دانش%20آموزی.docx#_ftnref6). احیای تفکر اسلامی ص: ۳۳